

## چشم هایت

وقتی نیلوفر آبی  
در چشم های سبزت  
به شکوفه نشست  
دریائی از عشق را  
در جنگل سبز چشم هایت  
نظاره کردم  
که آرام آرام موج هایش  
به ساحل قلب م برمی خورد  
با هر ارتعایش  
خون مرا در رگ هایم  
چون مذاب آتشفشانی  
پر می کرد  
مغزم با هر نگاه تو  
به یکباره  
تمام سلول هایش  
به حرکت در می آمد  
تا آن لحظه را  
برای همیشه ثبت کند  
تا در تنهایی م  
هم چون نوار ویدیوی  
دو باره آن را مرور کنم  
در تمام خاطرات م  
می بینم من  
نیلوفر آبی را  
با رنگ های صورتی و سپید  
در چشم های تو  
که می خندت به من  
با عشق.

اکبر یگانه 2012.06.30